

«شاکله‌شناسی» نقد می‌شود

نشست نقد و بررسی کتاب «شاکله‌شناسی» تالیف نصرا... حکمت برگزار می‌شود. این نشست یکشنبه ۲۴ تیرماه از ساعت ۱۵ تا ۱۹ با حضور نویسنده اثر، قباد منصور یخت، عبدا... سلواتی، عبدالحمید ضیایی، رضا ماحوزی، اسدآ... رحمان‌زاده و محمدابراهیم ضرابی‌ها در محل سالن اجتماعات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی واقع در پاسداران، خیابان شهید مومن نژاد (گلستان یکم) شماره ۱۲۴ برگزار خواهد شد.



جاوید محمد"

ترجمه: یاسین پورغزیری

شده و خواهد شد و می‌تواند دیدگاه‌هایی را درباره «دیگری» خلق یا تقویت کند. در سینمای هندوستان -که بزرگ‌ترین صنعت فیلمسازی دنیاست- تصاویری از جدایی پاکستان از هندوستان ارائه شده که در آن، پاکستان و مسلمانان مورد تحریف قرار گرفته‌اند؛ ارائه نگاهی پاک و معصومانه به «خود» و نگاهی کثیف و خصومت‌آمیز به «دیگری».

گاستون روبرگ می‌نویسد: «سینما بزرگ‌ترین مفسر گذشته است و مدام حافظه مخاطبان‌ش را برنامه‌ریزی می‌کند.» قرن بیستم بزرگ‌ترین «سفر خروج» نوع بشر را شاهد بوده است. تقسیم‌بندی هند و پاکستان جابه‌جایی ۱۲ میلیون آواره را در پی داشت، بیش از یک‌میلیون انسان جان خود را از دست دادند و ده‌ها هزار زن ربوده شدند. استقلال و تفکیک دردناکی که بعد از آن صورت گرفت در آن زمان موضوعی بود که فیلمسازان بسیاری از آن غفلت کردند. با این حال، بعد از جنگ دوم بین هند و پاکستان در سال ۱۹۷۱، جهت‌گیری‌های سیاسی، تغییر چشمگیری کرد و به تبع آن سینما نیز تغییر کرد. سینمای هند که به نام بالیوود شناخته می‌شود، دیگر از این موضوع که قبلا ممنوع به حساب می‌آمد، غافل نیست و نسبت به پاکستان و جمعیت مسلمان این کشور موضع بسیار خصومت‌آمیزی گرفته است.

«گورنردر چادا» فیلمسازی انگلیسی- هندی تبار است که درباره استفاده‌های اولیه از تبلیغ برای به چالش کشیدن قوانین انگلستان چنین می‌نویسد: «یکی از اولین سلاح‌هایی که فیلمسازان هندی [مقابل تسلط بریتانیا] به کار بردند، استفاده از زبانی به غیر از انگلیسی در فیلم‌ها بود. آنها از استعاره‌ها[ی هندی]، داستان‌های مذهبی و پیام‌های رمزی استفاده می‌کردند. هندی‌ها در آن زمان ابزار زیادی برای تضعیف حاکمان خود داشتند.» اگرچه حالا قضیه به کلی عوض شده و هند کشوری مستقل و آزاد است، اما هنوز از آن درس قدیمی استفاده می‌کند و از فیلم و زیرمتن‌های جا داده شده در فیلم، برای ارتباط برقرار کردن و تأثیر گذاشتن روی مخاطب خود بهره می‌برد.

من در آمریکا زندگی می‌کنم اما پدر و مادری دارم که جراثحتی را که این جدایی در پی داشت، تجربه کرده‌اند. داستان‌هایی را در کتاب‌ها پیدا کردم (واقعی و غیرواقعی) که چندان با تجربه آنها همخوانی نداشت. از آنجایی که درباره این موضوع فقط چند فیلم بلند ساخته شده، من آنها را چندین بار دیدم و می‌خواستم روایت زیرمتن‌شان را واری هدف سرگرم‌کنندگی‌شان پیدا کنم. در هیچ کدام از این فیلم‌ها، به غیر از ماموریت کشمیر (۲۰۰۰)، هیچ ارجاعی به اشتباهات ارزش یا دولت هندوستان نمی‌شود. (در فیلم ماموریت کشمیر، پلیس چندی گناه را می‌کشد اما این کار او فقط یک اشتباه تلقی می‌شود، زیرا امکان تشخیص بی‌گناها از تروریست‌ها وجود نداشت). هندوها، آدم‌های خوب، میهن‌پرست و دوستدار صلح هستند و انسانی رفتار می‌کنند، گرچه چندتایی هم آدم بد در بین‌شان پیدا می‌شود (خیانتکاران) که البته قهرمان فیلم حتما آنها را به خاک می‌افکند. بنابراین، تقریبا همیشه، در مقایسه با تصویر پاکستانی‌ها، تصویری که از هندوها ارائه می‌شود، تصویری اغراق شده و خوب است.

فیلم‌هایی که دیلا بررسی خواهند شد، همگی نقش کلیدی در تفسیر دوباره تاریخ بازی می‌کنند. قطار پاکستان (۱۹۹۸)، گادار (۲۰۰۱) و قفس (۲۰۰۳) از بسیاری جهات چالش‌ها و تنش‌های سیاسی بین هند و پاکستان را در زمان ساخت‌شان نشان می‌دهند. با وجود اینکه فیلم‌های هندی در همه‌جا تنها به‌عنوان فیلم‌های ملودرام احساساتی شناخته می‌شوند، ارائه سبک‌های هندی و هندوها به‌عنوان قهرمان فیلم و مسلمانان پاکستان به‌عنوان ضدقهرمان، درونمایه‌ای است که در اکثر این فیلم‌ها دیده می‌شود. در چند سال اخیر، ارتباطات سیاسی بین این دو کشور بهبود یافته و تلاش‌هایی در جهت برقراری صلح، دوستی و تفاهم انجام شده است. این مساله در یکی از بهترین فیلم‌های اخیر به نام Veer-Zaara (۲۰۰۴)، نشان داده شده است.

در زیر برخی از سوالاتی که هنگام تماشای این فیلم‌ها، ذهن مرا به خود مشغول کرده بود، آورده‌ام: (الف) چرا در این فیلم‌ها، دختر مسلمان است که عاشق یک مرد سبک‌با هندومی شود؟ چرا برعکس این [رخداد] هرگز اتفاق نمی‌افتد، در صورتی که در دنیای واقعی دومی بیشتر دیده می‌شود، یعنی دختری از مذهب سبک‌باهندو عاشق مرد مسلمانی می‌شود (و همچنین آروی آوردن به اسلام، خیلی بیشتر از ترک آن اتفاق می‌افتد.

ب) بسا وجود اینکه برخی فیلم‌های اولیه دارای ایهام بیشتری هستند، چرا قهرمان این فیلم‌ها همیشه یک هندو یا سبک است؟ در بهترین حالت، شخصیت‌های مسلمان بسیار ضعیف نشان داده می‌شوند و در بدترین حالت، شرور و شیطان‌ی به تصویر کشیده شده‌اند. چرا هندی‌ها، مهربان، دوستدار صلح و صبور هستند و

ترجمه اثری از محمد ارکون

کتاب «اندیشیدنی و نااندیشیدنی در اسلام معاصر» اثر «محمد ارکون» و ترجمه «محمد جواهرکلام» در ۱۰۶ صفحه به قیمت ۱۲۰۰۰ تومان به نازگی از سوی انتشارات شادگان منتشر شده است. عناوین فصل کتاب «اندیشیدنی و نااندیشیدنی در اسلام معاصر» به این ترتیب است: زندگانی، صاحب‌ها، شکل‌گیری بنیادگرایی اسلامی، روشنفکران عرب و غرب، بنیادگرایی و مسائل آن و اندیشیدنی و نااندیشیدنی در اسلام معاصر.



مسلمان‌ها در سینمای هند

بالیوود چه تصویری از «دیگری» ارائه می‌دهد



◉ **نمایی از فیلم «شورش: داستان عشق»**

«عشق ممنوع» قطعاً ویژگی مهم فیلم‌هایی از این دست است. مساله بسیار ویژه در این باره آن است که داستان همیشه داستان دختر مسلمانی است که عاشق مرد هندو یا سبک شده است و نه برعکس آن.

در فیلم «قطار پاکستان» نشان داده می‌شود که جوگوت سینگ- که گنگستری از مذهب سبک است-پنهانی وارد خانه معشوقش می‌شود و سعی می‌کند به او نزدیک شود.

پدر دختر که ناپیاست صداهایی می‌شنود اما از آنجایی که بسیار ساده لوح تصویر شده، دختر، به راحتی می‌تواند حواسش را پرت کند. سپس مرد سبک را می‌بینیم که با معشوقه‌اش در مزارع، عشق بازی می‌کند و در نهایت دختر از او باردار می‌شود. البته این مطلب را فیلم مستقیما اذعان نمی‌کند، چرا که در روستاهای سنتی، پدیده پیوند دختری مسلمان با پسری سبک هنوز غیرقابل تصور است.

در گادار و Veer-Zaara دوباره در شرایطی متفاوت، دختری مسلمان را می‌بینیم که عاشق قهرمان هندو و سبک‌مذهب فیلم شده است. به این ترتیب [از روند این فیلم‌ها] می‌توان حدس زد که [برآیند تا القا کنند که] مردان مسلمان، مردان خوبی برای زن‌های‌شان نیستند و این قوانین تخطی‌کند. این فیلم‌ها عشق را مهم‌ترین مستقیما اذعان نمی‌کند، چرا که در روستاهای سنتی، پدیده پیوند دختری مسلمان با پسری سبک هنوز غیرقابل تصور است.

◉ **تصویر ارائه شده از مردان مسلمان: مردانی ضعیف و بزدل**

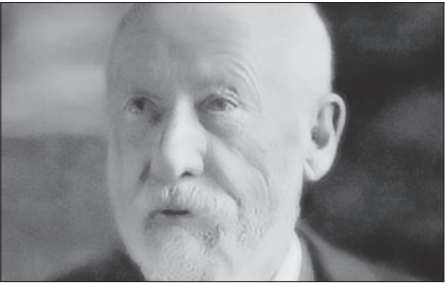
هند کشوری است که غالب جمعیتش را هندوها تشکیل می‌دهند و اقلیتی نزدیک به ۱۲ تا ۱۵ درصد، مسلمان دارد. قطعاً طبیعی به نظر می‌رسد که مردان هندو را در نقش قهرمان و قدرتمند نشان دهند. با این وجود، غیبت کامل مردی مسلمان و قوی در فیلم‌های‌شان، جالب‌توجه است.



فیلم قفس، با تصویر آرامش‌بخشی از معبد طلایی و راهپیمایی صلح‌آمیز سبک‌ها آغاز می‌شود. این مراسم با هجوم شورشیان مسلمان و قتل عام سبک‌ها توسط آنها، قطع می‌شود. از آنجایی که این مسلمانان هستند که آغازگر خشونتند، پس سبک‌ها برای دفاع از خود، به انتقام روی می‌آورند. بنابراین در ذهن مخاطب نتیجه طبیعی و آرامش‌بخش در مقابل این اعمال، آن است که ببیند مسلمانان «بد» تکه‌تکه و کشته شوند

فهم هرمنوتیکی در نظر ديلتای

کراسی ترویجی «فهم هرمنوتیکی علوم انسانی مبتنی بر آرای ديلتای» بسا ارائه مالک شجاعی جشوقانی برگزار می‌شود. ناقدین این جلسه محمدتقی موحدابطحی و یگانه مصلح، مدیر علمی، معین معین‌زاده و مدیر اجرایی، طاهره ایشانی است. این نشست یکشنبه ۲۴ تیر، ساعت ۱۳:۲۰ تا ۱۵:۲۰ در سالن اندیشه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی برگزار می‌شود.



دفت‌ر جدید خاطرات خسروشاهی

دوازدهمین دفتر از مجموعه «حدیث روزگار» با عنوان «خاطرات مستند سیدهای خسروشاهی درباره نشریات مخفی حوزه علمیه قم» از سوی انتشارات کلبه شروق در ۱۹۲ صفحه و قیمت ۲۵۰۰ تومان منتشر شد. این کتاب از یک مقدمه، تاریخ‌پیدایش نشریه بعثت، خاطراتی درباره نشریه انتقام، درباره اعلامیه‌های فضا و طلاب یا اسناد نهضت اسلامی ایران، اعلامیه‌های مخفی و ضمایم تشکیل شده است.



در فیلم قفس، قهرمان، زن هندویی است به نام پورو که در شب عروسی‌اش توسط یک مسلمان به نام رشید ربوده می‌شود. وقتی خانواده زن از ماجرا باخبر می‌شوند به سراغ خانواده پسر می‌روند. پدر و عموی پسر رفتار بسیار سردی با آنها دارند. امامی که آنها را به عقد هم درمی‌آورد و نیز پدر و عموی پسر، همگی شخصیت‌های شرور فیلم هستند و نه تنها هیچ گونه عزت و شرفی ندارند، بلکه از انسانیت نیز بویی نبرده‌اند. در ادامه، وقتی افراد بیشتری از خانواده دختر ربوده می‌شوند، می‌بینیم که همگی در خانه مرد مسلمان دائم‌الخمری، نگهداری می‌شوند و چنان با آنها رفتار می‌شود که گویی اسیر و برده‌ای بیش نیستند.

در فیلم گادار، تارا سینگ و سکینه عاشق هم می‌شوند. خانواده هندوی تارا بسیار مسالمت‌آمیز با این قضیه برخورد می‌کنند و دختر مسلمان را به‌طور کامل در جمع خود می‌پذیرند و حتی او را مجبور نمی‌کنند به دین آنها درآید. در مورد پذیرش تارا در خانواده مسلمان سکینه، مساله کاملاً برعکس است و وقتی او برای دیدن خانواده سکینه به پاکستان می‌رود، باید برای بازگرداندن سکینه با پدر متعصب او مبارزه کند.

تارا برای نگاه‌داشتن همسرش، باید به دین اسلام درآید. گرچه مسلمان شدن به زعم بالیوود تنها با گفتن جمله‌ای به معنای ایمان آوردن به یگانگی خدا و پیامبرش باید تمام شود، اما ظاهراً تارا باید مراحل بسیار سختی را بگذراند تا مورد پذیرش قرار گیرد. او نه‌تنها مجبور است این جمله را تکرار کند، بلکه باید این کار را در برابر جمعیت عظیمی از مردم شهر انجام دهد. امام شرور تصویر شده در فیلم از او می‌خواهد که جمله را تکرار کند و سپس مکالمه‌ای تحریک‌کننده و عجیب بین تارا و پدر دختر شکل می‌گیرد و از تارا خواسته می‌شود که علناً اعلام کند که پاکستان بهتر از هند است و او با رضایت می‌پذیرد. اما در ادامه از او می‌خواهند که علیه هند شعار دهد. مکالمه زیر پاسخ تارا را نشان می‌دهد:

تارا اسینگ: چرا دارید این بازی‌های سیاسی را ادامه می‌دهید؟ زنده‌باد پاکستان. ما اعتراضی به این مساله نداریم. اما هند هم زنده‌باد.

اشراف‌علی: تو اگر نگویی «مرگ بر هند»، مردم ما چطور می‌توانند مطمئن شوند که تو یک مسلمان واقعی هستی؟

تارا سینگ: در هند تعداد مسلمانان از این کشور بیشتر است. قلب آنها همیشه می‌گوید «زنده و پاینده باد هند».

آیا آنها مسلمانان واقعی نیستند؟

◉ **نتیجه**

ممکن نیست بتوان موضوع مهمی همچون جدایی پاکستان از هند و اینکه سینمای هند چه تصویری از آن ارائه داده را خلاصه کرد و پایانی برایش در نظر گرفت. کلیشه‌های رایج زیادی برای به‌تصویر کشیدن مسلمانان به کار رفته که خطرات آن به‌خوبی توسط جک شاهین مطرح شده است:

«اگر تصاویر مشابهی را بگیرد و بارها و بارها تکرارش کنید و به مردم یاد بدهید که از این گروه (مسلمانان) و مذهب‌شان بیزار باشند، اتفاقی که می‌افتد این است که ما برخلاف هوش و ذات پاک‌مان، در حقیقت تغییر می‌کنیم و به این تصاویر اجازه می‌دهیم کل جمعیت مسلمانان را بد تصور کرده و بیش از همیشه از آنها متنفر باشیم.»

فیلم چیزی فراتر از سرگرمی است. در پی نظرسنجی بین مسلمانان بریتانیا، این‌طور گزارش شد که تمام کسانی که مصاحبه کردند ارتباط مستقیم بین تصاویر ارائه شده در رسانه‌ها و تجربیات اجتماعی‌شان از نفرت، تصبات و خشونتی که با آنها مواجه بودند، وجود دارد. چیزی که درنهایت می‌توانیم بگوییم این است که فیلم، رسانه‌ای تأثیرگذار است. اینکه چطور تاریخ و مردمی با قومیت‌ها یا مذاهب مختلف به تصویر کشیده می‌دهد؟ مساله‌ای است که باید با دقت و به دور از هرگونه تعصبی با آن برخورد کرد.

امیدوارم این مقاله راه افراد دیگر را برای تحقیق بیشتر باز کند. من مقاله‌ام را با یک افسانه قدیمی هندی تمام می‌کنم که شاید نگرش تازه‌ای به ما بدهد. پدری هر شب موقع خواب برای فرزندش داستان تعریف می‌کرد. روزی پسر از او پرسید، «چرا در همه داستان‌هایی که برایت تعریف می‌کنی، شکارچی پلنگ را شکست می‌دهد؟» پدر کمی فکر کرد و گفت: «تسا زمانی که پلنگ قادر به نوشتن نباشد، داستان به همین شکل خواهد بود.»

پی‌نوشت‌ها:

۱- جاوید محمدنویسنده مسلمان ساکن سانفرانسیسکو. اگرچه او بانوشتن نقد کار خود را آغاز کرده اما علاقه‌اش او را به سمت نوشتن فیلمنامه هم سوق داده است. چنانکه خود گفته است، او نحوه به تصویر کشیدن مسلمانان در سینمای جریان اصلی آمریکا را درک نمی‌کند و این موضوع شده تا سایت MyFavoriteReview.com، را که به بررسی فیلم و کتاب و سرگرمی‌های اسلامی می‌پردازد، راه‌اندازی کند.